مقاله مروری

اخلاق اسلامی و مسئولیت مدنی در جبران خسارت زندانی بیگناه : بررسی تطبیقی در حقوق ایران و آمریکا

مسلم غلامی*، دکتر کیومرث کلانتری درونکلا، دکتر ایرج گلدوزیان، دکتر حمیدرضا اسماعیلی
گروه حقوق، دانشگاه آزاد اسلامی واحد گرگان، گرگان، ایران

(تاریخ دریافت:۹۹/۰۸/۰۲، تاریخ پذیرش:۹۹/۱۰/۰۱)

چکیده

زمینه: موارد زیادی اتفاق می‌افتد که متهم استحقاق بازداشت را نداشته و بدون رعایت شرایط و ضوابط قانونی بازداشت و یا بر اثر اشتباه قضایی زندانی می‌گردد. در چنین مواردی جبران‌خسارت فرد بازداشت‌شده بی‌گناه از موضوعات مهمی است که بررسی آن به دلیل نقض حقوق اساسی افراد امری ضروری است. بنابراین هدف تحقیق حاضر بررسی رویکرد اخلاق اسلامی در برابر جبران خسارت زندانی بی‌گناه و بررسی تطبیقی این موضوع در نظام‌حقوقی ایران و آمریکاست.

نتیجه گیری: در اسلام، قاعده‌ای موسوم به قاعده «لاضرر و لاضرار فی‌الاسلام» وجود دارد که به استناد آن‌کسی حق ضرر رساندن به دیگری را ندارد، و اگر ضرری برساند، مسئول جبران‌خسارت آن خواهدبود. قاعده لاضرر در رابطه با مجازات یک فرد بیگناه نیز صدق می‌کند و نظام قضا و دولت می‌بایست خسارت وارد بر فرد بی‌گناه را جبران‌کنند. در حقوق ایران مکانسیم جبران خسارت ایام بازداشت درمواد ۲۵۵ تا ۲۶۱ قانون آیین دادرسی کیفری مصوب ۱۳۹۲پیش‌بینی‌شده است. اما امکان جبران‌خسارت ایام بازداشت، در دو صورت امکان پذیر است؛ یکی در صورت صدور حکم برائت و دیگری با قرار منع تعقیب متهم که از محل صندوق اعتباری مقرر در ماده ۲۶۰ آن قانون پرداخت می‌گردد. در حقوق آمریکا نیز جبران‌خسارت ناشی از بازداشت برعهده دولت است با این تفاوت که در حقوق ایران درصورتی‌که بازداشت بر اثر اعلام مغرضانه جرم، شهادت کذب و یا تقصیر مقامات قضایی باشد، دولت پس از جبران خسارت می‌تواند به مسئول اصلی مراجعه‌کند اما در حقوق آمریکا دولت در قبال جبران خسارت مسئولیت کامل داشته و قاضی عامل زندانی بی گناه هیچ مسولیتی ندارد.

کلیدواژگان: *اخلاق اسلامی، خسارت، بازداشت غیرقانونی، زندانی بی گناه*

سرآغاز

علی رغم اصل برائت[۱] به منظور حفظ نظم اجتماع ، همانگونه که دولت مسئول حفظ آرامش مردم و جلوگیری از ایجاد اختلال در نظم جامعه است ، به همان اندازه نیز حق بازداشت افرادی که در معرض اتهام قرار می گیرند را دارد ، حتی اگر بی گناهی وی بعداً ثابت شود ، که بحث جبران خسارت[۲] را می توان محل تعارض دو حق تلقی نمود . در اینجا سوال این است که آیا چنین متهمی باید این رنج و زیان مادی و معنوی و هتک حیثیت ناشی از آن را که بی مورد به وی تحمیل گردیده، بدون جبران تحمل کند چرا که ستم تنها بر خود متهم نیست بلکه این ستم موجب تالمات روحی و صدمات حیثیتی و معنوی نسبت به افراد خانواده متهم نیز می گردد، اینجاست که سخن از جبران خسارت چنین افرادی از گذشته تا کنون مطرح بوده است و منطق مطالبه جبران خسارت در مورد تعقیبات غیر موجه آن است که فرایند دادرسی مورد سوءاستفاده قرار گرفته است(۱) . بر اساس آنچه گفته شد سوال اساسی که در این خصوص مطرح و مورد بررسی قرار گرفته این است که شرایط مسئولیت مدنی[۳] و چگونگی جبران خسارت زندانی بی گناه در حقوق ایران و آمریکا چیست؟ به منظور بررسی سوال مورد اشاره در این مقاله با استفاده از روش توصیفی و تحلیلی تلاش شده است ابتدا شرایط و سپس مسئول خسارت زندانی بی گناه در حقوق ایران و آمریکا تبیین و تحلیل می شود.

نویسندهٔ مسئول: نشانی الکترونیکی: gholami.moslem58@gmail.com

[Downloaded from www.ethicsjournal.ir on 2026-11-18]

[DOR: 20.1001.1.22517634.1399.15.0.2.6]

اخلاق اسلامی و جبران خسارت

پیامبر اکرم فرمودند: انما بعثت لاتمم مکارم الاخلاق ، همانا من برای تکمیل فضایل اخلاقی[۴] مبعوث شده ام. در این حدیث (انما) برای حصر است و بیانگر آن است که تمام اهداف پیامبر اسلام برای تکامل اخلاقی انسان ها می باشد(۲). یکی از اصول اخلاقی[۵] که در شریعت مقدس اسلام و سیره پیامبر مورد توجه قرار گرفته و نقش زیادی در حقوق جزای کشور ما داشته است ، قاعده «لاضرر و لاضرار فی‌الاسلام» می باشد. به استناد این قاعده کسی حق ضرر رساندن چه مالی و چه بدنی به دیگری را ندارد، پس اگر ضرری برساند، مسئول جبران خسارت آن خواهد بود. قاعده «لا ضرر» از جمله قواعد فقه و اخلاق اسلامی است که کاربرد فراوانی دارد. در معنای ضرر کلمات لغویان به این شرح است: صحاح: مخالف نفع را ضرر گویند. القاموس: ضضر به معنی ضد نفع و بدحالی است. النهایه و مجمع البحرین: به نقصی کع در حق وارد شود ضرر گویند. المصباح: ضرر انجام کار ناپسند در مورد افراد و ایراد نقص در مورد اشیا است. مفردات: ضرر به معنای بدحالی است و بدحالی در نفس به خاطر کمی دانش و فضل است و در بدن به خاطر آسیب یا نقص استو در روحیه به خاطر کمی جاه و مقام است.(۳). اصل این قاعده ریشه در روایتی از رسول مکرم اسلام صلی الله و علیه و آله دارد که فرمودند: «لا ضرر و لا ضرار فی الاسلام» یعنی در دین اسلام نه می شود به خود ضرر وارد نمود و نه به دیگران ضرر وارد ساخت(۴).

در جهان بینی اسلامی[۶]، انسان موجودی است که پروردگار عالم روح خویش را در آن دمیده و قابلیت ها و استعدادهای فراوانی در وی پدید آورده که به صلاحیت جانشینی بخشیده و بدین جهت به او کرامت اعطا نموده است. در آموزه های اخلاق اسلامی[۷] به پاسداری از کرامت و منزلت انسانی توجهی ویژه شده است. بر اساس این آموزه ها آدمیان به همان میزان که بر منزلت و کرامت خویش اهمیت می دهند می بایست حرمت دیگری را نیز مورد توجه قرار دهند . هر نوع هتک حرمت و آسیب رساندن به دیگری به عنوان هتک حرمت الهی تلقی می شود بنابراین کمترین کار این است که افراد به جبران خسارت هر ضرری که به دیگران رسانده اند اهتمام ورزند(۵) .

اثر قاعده لاضرر در مسئولیت مدنی

مسوولیت مدنی از اصول مهم در فقه و حقوق میباشد، این امر تا جایی اهمیت دارد که پایه ایجاد بسیاری از قواعد و قوانین قرار گرفته است. لیکن مسئولیت مدنی خود دارای مبانی متعددی می باشد. یکی از این مبانی قاعده لاضرر است. فقها و حقوقدانان میگویند که قاعده لاضرر یکی از پایه ها و مبانی مسوولیت مدنی می باشد چراکه این قاعده سبب میشود، مسئولیت مدنی ایجاد گردد(۶). در نظامهای حقوقی غربی[۸] مبانی مختلفی برای مسوولیت مدنی، برشمرده اند. این مبانی عبارتند از نظریه تقصیر[۹]، نظریه خطر[۱۰] و نظریه مختلط. این سه نظریه کم و بیش در حقوق ایران نیز ورود کرده است. لیکن در حقوق اسلامی، قاعده لاضرر به عنوان مبنای مسوولیت مدنی، معرفی شده است. در فقه و اخلاق اسلامی، سابقه این اصل به صدر اسلام بازمیگردد؛ چراکه راوی حدیث لاضرر که مبنای این اصل قرار گرفته، پیغمبر اسلام(ص) است. چنانچه معنای مشهور بین عامه مسلمین از قاعده لاضرر در نظر گرفته شود، این قاعده مانند سایر قواعدی که وجود آنها در شرع مقدس اسلام ثابت است، میتواند بعنوان علت منصوصه برای بسیاری از احکام مورد استفاده واقع شود(۶ و ۷).

بر اساس این سخن، قاعده لاضرر به عنوان علت منصوصه برای احکام مربوط به مسوولیت مدنی بوده و در حقوق اسلام قاعده این است که مسوولیت مدنی بر مبنای قاعده لاضرر شکل میگیرد.

شرایط جبران خسارت زندانی بی گناه

امروزه در قوانین و اسناد داخلی و بین المللی خسارت ناشی از بازداشت زندانی بی گناه پذیرفته شده است . در قوانین و مقررات ایران با توجه به اصل ۱۷۱ و ۹۲ قانون اساسی ، مواد ۲ ،۱ و ۹ ، ۸ و ۱۰ مسئولیت مدنی و با توجه به قواعد فقهی از جمله قاعده لا ضرر، حکم عقل ، جبران خسارت زندانی بی گناه به طور ضمنی توسط افراد و نه دولت پذیرفته شده است همچنین اگر چه مساله جبران خسارت در قانون آیین دادرسی کیفری سابق مورد توجه قرار نگرفته بود و لیکن در قانون آئین دادرسی کیفری مصوب ۹۲ مطابق ماده ۲۵۵ ق.آ.د.ک «اشخاصی که در جریان تحقیقات مقدماتی و دادرسی به هر علت بازداشت می شوند و از سوی مراجع قضایی، حکم برائت یا قرار منع تعقیب در مورد آنان صادر شود، می توانندخسارت ایام بازداشت را مطالبه نمایند». مفاد این ماده که یکی از نوآوریهای قانون آیین دادرسی کیفری مصوب ۱۳۹۲ می باشد. که برای تعلق حق جبران خسارت، وجود شرایط ما هوی و تشریفات شکلی خاص ضرورت دارد .باید توجه داشت که جبران خسارت متهمان بازداشت شده بی گناه متفاوت از جبران خسارت ناشی از بازداشت غیر قانونی و نیز جبران خسارت ناشی از محکومین بی گناهان است در مورد اول فرد در یک چارچوب قانونی ، متهم به ارتکاب جرم شده و مدتی بازداشت شده ولی در نهایت تبرئه می گردد در این فرض حق جبران خسارت برای فرد فارغ از اینکه مدت بازداشت چقدر باشد و فرایند رسیدگی چه میزان طول کشیده باشد مطرح می گردد(۸-۱۳). در مورد دوم ، ترتیبات بازداشت فرد (اصل بازداشت یا ادامه آن) به نحو صحیح و قانونی طی نشده . به عنوان نمونه بازداشت بدون وجود ادله کافی و یا بازداشت متهم بدون اخذ دستو مقام قضایی بیش از ۲۴ ساعت در این دسته قرار می گیرد (۱۴). در مورد سوم ، فرد متهم به ارتکاب جرم شده و در نهایت محکوم می گردد (ممکن است حتی در فرایند کیفری بازداشت نشده و سایر قرارهای تامین صادر شده باشد) ولی پس از صدور حکم قطعی محکومیت بی گناهی وی اثبات شود (۱۵). لازم به ذکر است که به علت کلی بودن این قوانین عملا ضرورت وجود قانون خاصی در موضوع مذکور امری غیر قابل انکار به نظر می رسد .

مقاله مروری
فصلنامه اخلاق در علوم و فناوری، سال پانزدهم، شماره ۳، ۱۳۹۹

[Downloaded from www.ethicsjournal.ir on 2026-11-18]

[DOR: 20.1001.1.22517634.1399.15.0.2.6]

مسئولیت دولت در جبران خسارت زندانی بی گناه

قانون‌گذار حسب مورد مسئولیت جبران خسارت را بر عهده دولت قرار داده است. لذا در مورد مسئولیت دولت در جبران خسارت باید بین دو فرض قائل به تفصیل شویم: در فرض تقصیر از سوی دولت ، مسئولیت به نحو کامل بر ذمه دولت می باشد و لیکن در فرضی که ناشی از تقصیر و دخالت کارمندان دولت و سایر اشخاص می باشد موضوع پیچیده است .

الف) مسئولیت مطلق دولت در فرض وجود تقصیر

قانونگذار برای تسهیل جبران خسارات متهم وی را بی نیاز از مراجعه به اشخاص مختلف دانسته و در راستای مسئولیت عمومی دولت در مقابل شهروندان، دولت را در مقابل متهمین بی‌گناه مسئول می‌شناسد. طبق ماده‌ی ۲۵۹ قانون آیین دادرسی کیفری[11] جبران خسارت موضوع ماده ۲۵۵ این قانون بر عهده دولت است و در صورتی که بازداشت بر اثر اعلام مغرضانه جرم، شهادت کذب و یا تقصیر مقامات قضایی باشد، دولت پس از جبران خسارت می‌تواند به مسئول اصلی مراجعه کند. بنابراین، حتی در فرض مسئول شناخته نشدن دولت به جبران خسارت، قانون‌گذار مسئولیت جبران خسارت برای دولت پیش‌بینی کرده ولی به دولت اجازه داده است در موارد مزبور به افراد مسئول مراجعه کند. متهم بی‌گناه تکلیفی برای اثبات ورود خسارت ندارد و به صرف صدور قرار منع تعقیب[12] یا حکم برائت دولت ملزم به جبران خسارت است. مسئولیت عمومی[13] دولت به جبران خسارت نیز ایجاب می‌کند که حتی در فرض عدم تقصیر دولت و توجه تقصیر یا عمد به اشخاص دیگر، به جبران خسارات شهروندان بپردازد و متعاقب آن به اشخاص مسئول جبران خسارت مراجعه نماید. این حکم که در ماده ۲۵۹ قانون آیین دادرسی کیفری آمده است، گامی مترقی در جهت احقاق حق بازداشت شدگان بی گناه تلقی می شود؛ از این جهت که آنها را از پیمودن راهی طولانی در جهت اثبات تقصیر یا سوءنیت افراد دخیل در پرونده برای دریافت خسارت معاف کرده است.

مساله اینجاست که، در قانون آیین دادرسی کیفری ایران در خصوص مبلغ خسارت قابل پرداخت به بازداشت شدگان، مقرراتی پیش بینی نشده است. بررسی تطبیقی این موضوع در حقوق آمریکا نشان می دهد که مبلغ خسارت، تابع شرایط و اوضاع و احوال ارتکاب جرم قرار داده شده است(۱۶). این موضع بویژه در خصوص خسارات معنوی کاملا منطقی به نظر می رسد. چرا که انسان ها از نظر شخصیت و ویژگی های اخلاقی- رفتاری، احساسات و موقعیت اجتماعی و ... با یکدیگر کاملا متفاوت بوده و بنابراین تعیین مبلغ خاصی به عنوان خسارت در قانون صحیح به نظر نمی رسد. با این حال پیش بینی ضوابطی که بر اساس آنها بتوان در هر پرونده به نحوی منصفانه خسارت را تعیین کرد، می تواند از بروز اختلاف پیشگیری کرده و به تحقق عدالت کمک نماید.

ب) مسئولیت دولت در فرض عدم تقصیر و توجه تقصیر یا عمد به اشخاص دیگر در جبران خسارت

اصل ۱۷۱ قانون اساسی است مقرر می دارد:« هر گاه در اثر تقصیر یا اشتباه قاضی در موضوع و یا در حکم و تطبیق حکم بر مورد خاص ضرر مادی یا معنوی متوجه کسی گردد در صورت تقصیر، مقصر طبق موازین اسلامی ضامن است و در غیر این صورت خسارت به وسیله دولت جبران می شود و در هر حال از متهم اعاده حیثیت می گردد.»

سیاق کلام در این اصل کلیتی دارد که آن را از ردیف قوانین عادی خارج ساخته و اشاره به صورتهای کلی باب ضمانات دارد و به عنوان یک سند بالا دستی و فراتر از قوانین عادی تلقی شده که در ذیل آن و در چهارچوب آن سایر قوانین عادی رقم خورده و شکل می گیرد(۱۷-۲۰).

قواعد و قوانین عمومی مسئولیت مدنی و ضمان نیز در مواردی اشاره به لزوم جبران خسارت و تعهد به جبران کرده است. از جمله، ماده ۱۱قانون مسئولیت مدنی مصوب ۱۳۳۹ ش می گوید: کارمندان دولت ، شهرداریها و موسسات وابسته به آنها که به مناسبت انجام وظیفه عمداً یا در نتیجه بی احتیاطی خسارتی به اشخاص وارد نمایند، شخصاً مسئول جبران خسارت وارده می باشند.

ولی هر گاه خسارت وارده مستند به عمل آنان نبوده و مربوط به نقض وسایل ادارات و موسسات مزبور باشد، در این صورت جبران خسارت بر عهده اداره یا موسسه مربوطه است. ولی در مورد اعمال حاکمیت دولت، هر گاه اقداماتی بر حسب ضرورت برای تامین منافع اجتماعی طبق قانون به عمل آید و موجب ضرر دیگران شود مجبور به پرداخت خسارت نخواهد شد.(۲۱).

همچنین ماده ۱ قانون مسئولیت مدنی مقرر می دارد:« هر کس بدون مجوز قانونی عمداً یا در نتیجه بی احتیاطی به جان یا سلامتی یا مال یا آزادی یا حیثیت یا شهرت تجارتی یا هر حق دیگر که به موجب قانون برای افراد ایجاد گردیده، لطمه ای وارد نماید که موجب ضرر مادی یا معنوی دیگری شود، مسئول جبران خسارت ناشی از عمل خود می باشد».

شرایط مسئولیت مدنی قاضی عبارتند از : اتخاذ تصمیم قاضی ، ارتکاب اشتباه یا تقصیر ، وقوع ضرر و رابطه سببیت بین ارتکاب اشتباه و تقصیر و خسارت وارده . اصل ۱۷۱ قانون اساسی هم از جهت مقامات صلاحیت داری که تصمیمات مزبور را اتخاذ می نمایند و هم از جهت نوع تصمیماتی که منجر به ختم پرونده می شود، ابهام دارد. ظاهر ماده به گونه ای تنظیم شده که گویی صرفاً قضات محاکم حقوقی و جزایی ، آن هم نسبت به تصمیماتی که در ماهیت قضایای مطروحه به صورت حکم اتخاذ می نمایند مسوولیت دارند و سایر قضات (قضات دادسرا) و تصمیات قضایی (قرارها) از این حیثیت مستثنی هستند. برخی مولفان حقوقی (۲۲) . نیز تصریح نموده اند که منظور از قاضی در اصل ۱۷۱ قانون اساسی[14] قضاتی هستند که صلاحیت رسیدگی ماهوی را دارند و نتیجه گرفته اند که « در مواردی که صدور قرار بازداشت متهم بدون رعایت ضوابط و شرایط کنونی توسط قضات دادسرا صادر شده ولی سوء نیت و عمدی هم در کار نبوده متهم حقی به جبران خسارت ناشی از این تصمیمات ندارد». اما از مشروح مذاکرات نمایندگان مجلس

[Downloaded from www.ethicsjournal.ir on 2026-11-18]

[DOR: 20.1001.1.22517634.1399.15.0.2.6]

خبرگان قانون اساسی در مقام تصویب اصل ۱۷۱ قانون اساسی به خوبی استفاده می شود که هدف اصل مزبور این است که با توجه به قاعده ی لاضرر خسارت بی گناهانی که به هنگام اقدامات قضایی به عمد و یا در نتیجه بی احتیاطی و بی مبالاتی متضرر شده اند، جبران گردد . از این رو ، چنان که برخی نمایندگان نیز تصریح کرده اند فرقی بین قضات محاکم و دادسراها نیست.(۲۳) .

تقصیر به دو نوع عمدی و غیر عمدی تقسیم می شود: تقصیر عمدی[۱۵] و تقصیر غیر عمدی. تقصیر عمدی عبارت است از اینکه فاعل هم قصد عمل نامشروع و هم قصد نتیجه ی حاصل از آن را دارد. برای مثال کسی که با پرتاب سنگ شیشه اتومبیل کسی را مورد اصابت قرار می دهد هم قصد فعل و هم قصد نتیجه (شکستن شیشه اتومبیل) را دارد. تقصیر غیر عمدی آن است که فاعل قصد فعل را دارد اما قصد نتیجه حاصل از آن را ندارد . به عنوان مثال ، وقتی راننده ای در اثر بی مبالاتی و بی احتیاطی و عدم رعایت نظامات دولتی در حین رانندگی خسارتی به خودروی دیگری وارد می سازد قصد فعل رانندگی را دارد لیکن قصد نتیجه بروز خسارات را ندارد. به عبارت دیگر ، اراده ی شخص به ایجاد خسارات تعلق نمی گیرد.

شرط عدم مسوولیت در تقصیر های غیر عمدی معتبر است اما در تقصیر های عمدی معتبر نیست (۲۴). در مسئولیت مدنی جبران خسارت زیان دیده باید به همان مقداری باشد که به او ضرر وارد شده است . محاکم در تقصیر عمدی دقت زیادی به خرج می دهند و وارد کننده ی زیان را به جبران تمام خسارات وارده محکوم می نمایند در حالی که در جبران خسارات غیر عمدی با مسامحه و اغماض بیشتری برخورد کرده و گاه قانونگذار نیز دست قاضی را در دادن تخفیف باز گذاشته است.

چنانکه گفته شد در مسوولیت مدنی فرقی در بین تقصیر عمدی و غیر عمدی وجود ندارد و عامل زیان در هر دو صورت باید خسارت ناشی از فعل خود را جبران نماید. در خصوص قاضی اگر تقصیر به همین معنای عام در نظر گرفته شود قاضی مسوول کلیه خسارات مادی و معنوی ناشی از تقصیر عمدی و غیر عمدی خواهد بود. در حالی که این تفسیر با ضرورت ها و حساسیت های این حرفه مهم و مقصود واقعی وضع کنندگان اصل ۱۷۱ انطباق ندارد (۲۳). از مشروح مذاکرات نمایندگان مجلس در بررسی قانون اساسی[۵] استفاده می شود که منظور نمایندگان از تقصیر ، تقصیر عمدی یا در حکم عمد و مبرا از اشتباه همان خطای غیر عمد است. در واقع ، چنانکه برخی مولفین حقوقی(۲۵) گفته اند : « اشتباه ناظر به موارد قصور دادرس می شود و تقصیر ناظر به حالتی است که در آن تدلیس ، سوء نیت و عمد وجود دارد، خواه انگیزه آن جلب منفعت (مانند اخذ رشوه)، دفع ضرر (مانند ترس) و یا انتقام جویی و امثال اینها باشد.» اگر دادرس مسوول تمام اشتباهاتی باشد که در جریان دادرسی رخ می دهد دیگر کسی به این کار پر خطر دست نمی زند .طبعیت دادرسی به گونه ای است که احتمال خطا در آن می رود، به ویژه در تعقیب متهم بیشتر پیگردها با ظن و گمان آغاز می شود گاه قرینه ها و ظاهر کار، هر انسان آگاه و محتاطی را می فریبد . تکلیف دادرس این نیست که به واقع برسد بلکه باید در راه رسیدن به واقع بکوشد و از همه ی دانش و تجربه ای که اندوخته است در این راه استفاده کند. پس نرسیدن به واقع را نمی توان به او خرده گرفت. وانگهی، استقلال رای قضات زمانی تامین می شود که در برابر دعاوی ناشی از اینگونه اشتباه های احتراز ناپذیر مصونیت داشته باشند. به همین جهت، در این زمینه اتفاق نظر وجود دارد که اشتباه قاضی در واقع اگر ناشی از تقصیر او نباشد، نباید سبب مسوولیت مدنی او شود. البته از آنجا که هیچ ضرری را نباید جبران نشده باقی گذارد (قاعده لاضرر) دولت باید به عنوان مسوول قضایی کشور خسارات ناشی از اشتباه دادرسی را جبران کند. بدین گونه است که آثار اجرای این خدمت عمومی و ضروری بر همه تحمیل می شود (۱۶). از طرف دیگر اگر اشتباه اعم از تقصیر عمد و یا غیر عمد باشد دیگر تاکید بر تقصیر در ذیل اصل یاد شده لازم نمی آمد . به عبارت دیگر ، هر گاه قاضی مسوول کلیه خسارات ناشی از تقصیر عمد یا غیر عمد تلقی شود دیگر موجبی برای مسئولیت دولت در قسمت آخر اصل ۱۷۱ قانون اساسی و ماده ۵۸ قانون مجازات اسلامی باقی نمی ماند. از این رو، مسوولیت شخصی قاضی محدود به مواردی است که مرتکب تقصیر عمدی شود (۲۳).

در حقوق آمریکا اصل مصونیت قضات در ایالات متحده آمریکا از قدمت بیشتری برخوردار می‌باشد. در حقیقت این اصل از حقوق کامن‌لا به حقوق آمریکا راه پیدا کرده است. در آن نظام به لحاظ اینکه قاضی نماینده شخص پادشاه در امر قضا به حساب می‌آمد به تبع شاه از هرگونه مسئولیت مبری شناخته می‌شد. (۲۶).

همچنین در حقوق آمریکا قضات را نمی توان از لحاظ مدنی ضامن و مسؤول اعمالی دانست که به لحاظ شغل قضایی خود انجام داده اند و دادرسان محاکم در قبال هرگونه ادعای مسؤولیت از بابت اعمال نادرست خود از مصونیت قضایی برخوردارند. این مصونیت قضایی در آمریکا در حد افراطی رعایت می شود به گونه ای که در تصمیمات قضایی حتی اگر قاضی سوء نیت داشته باشد و یا از روی غرض ورزی تصمیم قضایی را گرفته باشد بر ضد او نمی توان طرح دعوا کرد(۲۷) .

دیوانعالی آمریکا در پرونده «برادلی » بر ضد «فیشر» برای نخستین بار دکترین مصونیت قضایی را پذیرفت و اظهار داشت که این دکترین «ریشه محکمی در حقوق عرفی دارد» و تاکید کرد که «این یک اصل عام و حائز اهمیت درجه اول در تصدی دقیق حرفه قضاوت است که صاحب منصبان قضایی در اجرای اختیارات محوله بر اساس یافته ها و علم خود آزادی عمل داشته و دراین مقام نباید از تبعاتی که احیانا این اقدام برای شخص آنان به دنبال خواهد داشت خوفی به دل راه دهند». دادگاه در ادامه رای خود استدلال کرد که مسؤول دانستن قاضی از بابت اعمال خود منافی این اختیارات و استقلالی را که لازمه شان، اعتبار و یا کارآیی هر دستگاه قضایی است، می باشد.

خواهان این پرونده وکیلی بود که به خواسته جبران خسارات علیه یکی از قضات دیوان عالی حوزه کلمبیا طرح دعوی نموده و مدعی شده بود که به ناحق توسط قاضی مزبور ممنوع الوکاله شده است ، دیوان عالی

مقاله مروری
فصلنامه اخلاق در علوم و فناوری، سال پانزدهم، شماره ۰۳، ۱۳۹۹
[Downloaded from www.ethicsjournal.ir on 2026-11-18]
[DOR: 20.1001.1.22517634.1399.15.0.2.6]

امریکا رای داد که قضات محاکم فدرال را نمی توان از بابت اعمال قضایی انجام شده در حوزه صلاحیت و اختیارات خود تحت تعقیب قرار داد ، دادگاه همچنین با اظهار دکترین مصونیت قضایی که ریشه محکمی در حقوق عرفی دارد تاکید نمود که این اصل عام و حایز اهمیت درجه اول در تصدی دقیق حرفه قضاست که صاحب منصبان قضایی در اجرای اختیارات محوله براساس یافته ها خود آزادی عمل داشته و در این مقام نباید از تبعاتی که احیاناً این اقدام برای شخص آنان به دنبال خواهد داشت خوفی به دل راه دهند. دادگاه در ادامه رای خود استدلال نمود که مسئول دانستن قاضی از بابت اعمال خود منافی اختیار است و استقلالی را که لازمه شان اعتبار و یا کارایی هر دستگاه قضایی است زایل می کند (۲۷) .

در توجیه مصونیت قضایی قضات در حقوق آمریکا به امور زیر استدلال شده است (۲۳) .

۱. تحمیل مسؤولیت قضایی به عموم مردم تا به این وسیله از انتقام گیری شخصی و در معرض اقدامات تلافی جویانه قاضی صادر کننده حکم در امان بماند.

۲. مسؤول شناختن قاضی در برابر تصمیم قضایی، موجب عدم تمایل اشخاص به تصدی شغل قضاوت می شود.

۳. اهمیت و جایگاه ویژه استقلال قوه قضائیه اقتضا دارد که برای قضات مسؤولیت مدنی ناشی از اخذ تصمیمات قضایی نباشد

۴. احکام صادره از دادگاهها که مبتنی بر غرض یا اشتباه باشند از طرق قانونی و تجدید نظر خواهی قابل نقض هستند و با این وجود زمینه ای برای مسؤولیت مدنی قاضی باقی نمی ماند.

۵. ترس ناشی از طرح دعوای ضرر و زیان بر ضد قاضی سبب میشود که در مسؤولیتهای قضایی خود تساهل ورزند و از صدور تصمیماتی که احتمالا منجر به طرح دعوا بر ضد ایشان شود خوداری ورزند و این عامل، فی نفسه; قضات را از رسیدگی مستقل و بی طرفانه محروم می سازد و بعلاوه امکان طرح دعوا بر ضد قضات، موجب اتلاف وقت ایشان شده و آنها را از انجام وظیفه باز می دارد.

بنابراین می توان نتیجه گرفت که قاعده کلی در سیستم حقوقی آمریکا آن است که زمانی قاضی دارای سمت و صلاحیت قضایی باشد از نظر مدنی تحت هیچ شرایطی مسؤول اعمالی که در اجرای وظایف قضایی انجام داده نخواهد بود. چنانچه قاضی در اجرای وظایف خود در مقام صدور حکم اشتباه کند، صرف اشتباه موجب اقامه دعوا بر ضد او نمی شود و قاضی نباید به خاطر حکمی که صادر کرده جریمه شود یا ملزم به پرداخت انواع دیگر خسارت شود(۲۸).

نتیجه این است که در حقوق آمریکا قضات دارای مصونیت قضایی درحد بسیار بالایی بوده و در مواردی که در حیطه صلاحیت قضایی خود به پرونده ای رسیدگی نمایند حتی اگر تقصیر و سوء نیت یا غرض ورزی و فساد داشته باشند نمی توان دعوای ضرر و زیان بر ضد آنها مطرح کرد. لکن در صورتی که رسیدگی به پرونده ای خارج از صلاحیت آنها باشد و یا مربوط به وظایف اداری آنها باشد مسؤولیت مدنی دارند.

در سالهای اخیر در حقوق آمریکا نظریه مصونیت مطلق قضایی از جانب برخی از صاحبنظران و قضات مورد انتقادات فزاینده ای قرار گرفته است محور انتقادات مزبور این است که اشتیاق دادگاهها به حفظ استقلال قضایی خود آنها را از توجه به دو جنبه دیگر از نظم عمومی که با مسئله مسئولیت قضایی ارتباط نزدیک دارد باز خواهد داشت. این دو جنبه عبارتند از:

۱)جبران خسارات زیان دیدگان از تخلف قضایی

۲) جلوگیری از خلاف کاریهای قضایی

لذا منتقدان مزبور برقراری چارچوبی را که به موجب آن تخلفات قضات حداقل موجبات مسئولیت مدنی آنها را فراهم آورده لازم می دانند تا به این ترتیب توجه متوازن تری به هر دو جنبه یاد شده مبذول گردد. (۲۷).

نتیجه‌گیری

در شریعت مقدس اسلام و بنابر تعالیم موجود در اخلاق و فقه اسلامی که از قرآن و سنت استخراج شده است، یک اصل اخلاقی مهم قاعده‌ای موسوم به قاعده «لاضرر و لاضرار فی‌الاسلام» است که به استناد آن کسی حق ضرر رساندن چه مالی و چه بدنی و چه معنوی به دیگری را ندارد، و اگر ضرری برساند، مسئول جبران خسارت آن خواهد بود. قاعدهٔ لاضرر در رابطه با مجازات یک فرد بیگناه نیز صدق می کند و نظام قضا و دولت می بایست خسارت وارد بر فرد بی گناه را جبران کنند. در حقوق بازداشت و زندانی کردن افراد بی گناه داری مسئولیت مدنی بوده و پرداخت خسارت به وی را به دنبال دارد. در حقوق ایران، اولین بار قانونگذار آیین دادرسی کیفری مصوب ۱۳۹۲ در مواد ۲۵۵ تا ۲۵۹ ضرورت جبران خسارات بازداشت شدگان بی گناه را پیش بینی نموده و مطابق این قانون، اشخاصی که در جریان تحقیقات مقدماتی و دادرسی به هر علت بازداشت می‌شوند و از سوی مراجع قضایی، حکم برائت یا قرار منع تعقیب در مورد آنان صادر می‌شود، می‌توانند با رعایت ماده ۱۴ این قانون خسارت ایام بازداشت را از دولت مطالبه کنند.

از محتویات مواد ۲۵۵ و ۲۵۷ قانون آیین دادرسی کیفری چنین بر می آید که حق جبران خسارت تنها در رابطه با پرونده های جاری است که منتهی به صدور حکم برائت یا قرار منع تعقیب قطعی شده باشند و لذا در رابطه با حکم برائت و قرار منع تعقیب غیر قطعی و همچنین مواردی که مشمول قرار موقوفه تعقیب است امکان جبران خسارت منتفی است و همچنین در خصوص موضوع جبران خسارت نسبت به شاهد و یا مطلع که در مقام اجرای تبصره یک و ماده ۲۰۴ قانون آیین دادرسی کیفری جلب شده اند امکان تقاضای جبران خسارت وجود ندارد .

نتایج تحقیق در خصوص حقوق آمریکا نشان داد که در این کشور نیز مسئولیت جبران خسارت زندانیان بی گناه به رسمیت شناخته شده و دولت مسئولیت پرداخت خسارت در این خصوص را دارد. در حقوق این کشور هرگاه شخصی به اتهام ارتکاب جرم، مقصر شناخته شده؛ لکن متعاقبا به این دلیل که واقعه جدیدی حادث و یا واقعه ای جدید کشف شده که فارغ از هر گونه شبهه عقلایی، بر تحقق اشتباه قضایی دلالت

[Downloaded from www.ethicsjournal.ir on 2026-11-18]

[DOR: 20.1001.1.22517634.1399.15.0.2.6]

دارد؛ محکومیت وی فسخ و یا مورد عفو قرار گیرد؛ وزیر کشور به شخصی که در نتیجه چنین محکومیتی متحمل مجازات شده و در صورت مرگ شخص مزبور، به قائم مقام قانونی وی، غرامت خواهد پرداخت، مگر آنکه عدم افشای حقیقت مکتوم، جزئا یا کلا قابل انتساب به شخص محکوم علیه بوده باشد.

تفاوت اساسی حقوق ایران و آمریکا در جبران خسارت زندانی بی گناه در این است که در حقوق ایران موانعی برای جبران خسارت تعریف شده است اما در حقوق آمریکا این محدودیت ها وجود ندارد. علاوه بر این در حقوق ایران چنانچه اثبات شود صدور حکم صادره که منجر به بازداشت فرد بی گناه شده ناشی از تقصیر قاضی است دولت می تواند خسارت را از وی مطالبه نماید اما در حقوق آمریکا در هر حال مسئولیت پرداخت غرامت بر عهده دولت است.

ملاحظه‌های اخلاقی

موضوعات اخلاقی همچون؛ سرقت ادبی، رضایت آگاهانه؛ انتشار چندگانه و ... در پژوهش حاضر موردتوجه قرارگرفته‌اند.

واژه نامه

1. Principle of innocence	اصل برائت
2. Compensation	جبران خسارت
3. Civil liability	مسولیت مدنی
4. Moral values	فضایل اخلاقی
5. Ethical principles	اصول اخلاقی
6. Islamic viewpoint	جهان بینی اسلامی
7. Islamic ethics	اخلاق اسلامی
8. Western legal system	نظام حقوقی غربی
9. Fault theory	نظریه تقصیر
10. Risk theory	نظریه خطر
11. Code of criminal procedure	آیین دادرسی کیفری
12. Prohibition of prosecution	منع تعقیب
13. Public responsibility	مسولیت عمومی
14. Constitution	قانون اساسی
15. Intentional fault	تقصیر عمدی

References

1. Myles FM. (2014). Innocence compensationthe private, public and prerogative remedies. Ottawa L. Rev; 59: 59-92.
2. Moghadamnia SH, Malmir M, Farhud DD. (2017). Considered ethical codes in codification of M.A courses curriculum of lifestyle in health. Ethics in Science and Technology; 12 (3):1-8. (In Persian).
3. Ghodrati M, Ghafoori-Charkhabi H. (2019). Ethical training with the approach of adhering to the no-harm rule. Ma'refat; 1(256): 35-47. (In Persian).
4. Mousavi-Bojnordi SM, Montazeri Z, Mousavi SMS. (2020). Manifestation of the rule of "Who owns you?" and position of ethics in civil law. Ethics in Science and Technology; 15 (1):1-7. (In Persian).
5. Afrasiabi S, Khoeeni G, Mojtahed Solimani A. (2019). Legal and ethical principles of criminalization in Iran's criminal law. Ethics in Science and Technology; 14 (4):1-6. (In Persian).
6. Naghibi SA. (2007). The theory of financial compensation for moral damages in Islamic law. Islamic Studies; 76: 181-215. (In Persian).
7. Valizadeh H. (2019). The effect of the no-harm rule in civil liability and the role of the rule of action in its effect. International Journal of Law; 3(10): 331-348. (In Persian).
8. Michels JD. (2010). Compensating acquitted defendants for detention before international criminal courts. Journal of International Criminal Justice; 8.
9. Shayegan E. (2016). Civil procedure in the light of the principles of procedure. 1st ed. Tehran: Myzan Publication. (In Persian).
10. Safaee SH, Zakerinia H. (2015). Comparative study of non-contractual civil liability compensation methods. Journal of Law; 45(2). (In Persian).
11. Safaee SH, Rahimi H. (2014). Civil responsibility. 13th ed. Tehran: Tehran University Publication. (In Persian).
12. Shamlou B, Moradi M. (2014). Disposal of suspects, defendants and innocent convicts, legal status, practical process. Legal Journal of Justice; 88. (In Persian).
13. Babaee I. (2005). Critique of the principle of the ability to compensate for all damages in Iranian civil liability law. Law and Politics Research; 15(6). (In Persian).
14. Pourmohammadi M. (2017). The crime of illegal detention and confiscation. [M.A thesis]. Tehran: Tarbiat Modares Univeristy. (In Persian).
15. Farajiha M, Gholamloo J. (2015). Mechanisms for dealing with the conviction of convicts: A comparative study of the legal systems of Iran, the United States and the United Kingdom. Criminal Law Research; 3(11). (In Persian).
16. Worrall JL. (2008). Prosecution in America ،a historical and comparative account. USA: New York press.
17. Khaleghi A. (2016). Code of criminal procedure. 30th ed. Tehran: Institute of Legal Studies and Research. (In Persian).
18. Pourostad M. (2008). The principle of sovereignty of civil litigants. Journl of Law; 38(3). (In Persian).
19. Ashoori M. (1997). The need to compensate innocent prisoners in criminal justice. Tehran Ganj-e-Danesh Publication. (In Persian).
20. Parvin F. (2001). Moral damage in Iranian law. Tehran: Ghoghnous Publication. (In Persian).
21. Yazdanian MR. (2015). Innovations in the new code of criminal procedure regarding temporary detention: A comparative approach. Detective; 8(31). (In Persian).

مقاله مروری
فصلنامه اخلاق در علوم و فناوری، سال پانزدهم، شماره ۰۳، ۱۳۹۹
[Downloaded from www.ethicsjournal.ir on 2026-11-18]
[DOR: 20.1001.1.22517634.1399.15.0.2.6]

22. Khazani M. (1989). Discussion on precautionary detention or detention of the accused and its effects. Journal of Kanoon-e- Vokala; 148. (In Persian).
23. Jalilvand Y. (1994). Civil liability of judges and government in Iranian, French, American and British law. Tehran: Yalda Publication. (In Persian).
24. Ghasemzadeh SM. (1999). The basis of civil liability. 1st ed. Tehran: Dadgostar Publication. (In Persian).
25. Katoozian N. (1998). General rules of contracts. 5th ed. Tehran: Sahami Enteshar Publication. (In Persian).
26. Booshehri J. (1997). Islamic law issues. Tehran: Dadgostar Publication. (In Persian).
27. House Meninjer C. (1990). Civil liability of referees in a comparative study with correction suggestions. Translated by: Mirfakhraee MJ. Tehran: Dadgostar Publication. (In Persian).
28. Odsgey M. (2015). The human factors in wrongful convictions across national borders in understanding wrongful conviction: The protection of the innocent across Europe and America. USA: Wolters Kluwer.

[Downloaded from www.ethicsjournal.ir on 2026-11-18]

[DOR: 20.1001.1.22517634.1399.15.0.2.6]

[DOR: 20.1001.1.22517634.1399.15.0.2.6] [Downloaded from www.ethicsjournal.ir on 2026-11-18]